

توصیف فرار مالیاتی در ایران از منظر جامعه‌شناسی سیاسی (مورد مطالعه شهر تهران)

محمد صید^۱ - ایرج ساعی ارسی^۲ - احسان رحمانی خلیلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

چکیده:

در این تحقیق به توصیف فرار مالیاتی در ایران از منظر جامعه‌شناسی سیاسی (مورد مطالعه شهر تهران) پرداخته شده است. فرض شده است عواملی همچون احساس محرومیت نسبی، آگاهی عمومی، مشارکت عمومی و پایبندی دینی بر فرار مالیاتی در ایران تاثیرگذار هستند. تحقیق حاضر از نظر هدف در حیطه تحقیقات کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار spss در دو بخش توصیفی و همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد: بین آگاهی عمومی و فرار مالیاتی همبستگی معناداری وجود دارد. ولی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت عمومی با فرار مالیاتی رابطه معناداری مشاهده نشد. همچنین یافته‌ها نشان داد که متغیرهای آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی به میزان ۶ درصد قادر به پیش‌بینی فرار مالیاتی می‌باشند.

واژگان کلیدی: احساس محرومیت نسبی، آگاهی عمومی، فرار مالیاتی، مشارکت عمومی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

JPIR-2101-1734

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ - استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران: نویسنده مسئول

saiearasi@gmail.com

^۳ - استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

یک اقتصاد اجتماعی برای انجام وظایف خود به ابزارهایی متوسل می‌شود که از آن تحت عنوان «نهاد» یاد می‌کنیم. یکی از این نهادها، دولت است. در نظریه سیاسی لیبرالی، دولت به عنوان قراردادی بین افراد تعریف می‌شود که منافع آنها در برخی زمینه‌ها با تصمیم‌گیری و اجرای جمعی افزایش می‌یابد. (هادگوپوره‌پ، ۱۳۷۹: ۲) واژه‌ی مالیات از مال گرفته شده و به معانی مختلفی از جمله «اجر و پاداش، زکات مال و جریمه‌ای که حکومت به دلیل ارتکاب جرایم ویژه از مرتکبان می‌گیرد» تفسیر می‌شود، اما در اصطلاح اقتصاددانان مالیات اینگونه تعریف شده است: «مالیات مقدار پول یا مالی است که شهروندان یک کشور براساس قانون به دولت خود می‌پردازند تا برای اداره‌ی امور کشور، تأمین کالاها و خدمات عمومی و ضروری، تضمین امنیت و دفاع همگانی و عمران و آبادانی توسط دولت بهره‌برداری شود. (احمدی دونجالی، ۱۳۷۲: ۹)

در واقع مالیات به عنوان یک هزینه اجتماعی است که شهروندان یک جامعه در قبال استفاده از امکانات و خدمات عمومی باید پرداخت کنند. (نوری خانیوردی، ۱۳۸۱: ۳۶) وصول این‌گونه درآمدها (مالیات‌ها) همواره با مشکلاتی روبرو بوده است. یکی از دلایل فاصله داشتن سطح تحقق یافته مالیات از سطح واقعی آن، وجود پدیده فرار مالیاتی است. (هادیان و تحویلی، ۱۳۹۱: ۴۰) همچنین هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات، مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی^۱ خوانده می‌شود. (رضایی سیابیدی، ۱۳۹۶: ۱۴۶) به طور کلی فرار مالیاتی اقدام نادرستی است که به موجب آن مالیات دهندگان تلاش می‌کنند تا با استفاده از ابزارهای غیرقانونی، بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. (مرادی و همکاران، ۱۳۹۲).

فرار مالیاتی در اغلب کشورها معمولاً متأثر از عواملی از جمله مجموعه قوانین و مقررات، حجم اقتصاد غیررسمی، فرهنگ مالیاتی و میزان شفافیت در عملکرد دولت‌ها می‌باشد، لیکن در ایران ناکارآمدی نظام مالیاتی به لحاظ میزان اشراف آن بر اطلاعات مالی و اقتصادی مؤدیان بیش از هر عامل دیگری بر فرار مالیاتی مؤثر بوده است.

در ایران هنوز شاهد فرار برخی مؤدیان در پرداخت مالیات هستیم؛ این امر سبب کاهش مقدار وصول مالیات شده است. (نصراصفهانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰) تحولات بازار جهانی نفت همواره درآمدهای مالیاتی را تحت تأثیر قرار داده، زیرا بخش مهمی از درآمدهای مالیاتی

^۱ - Tax evasion

به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به درآمد نفت بوده است. (سلطانی و پورغفار دستجردی، ۱۳۹۱: ۱۴۹)

از این‌رو دولت پس از نفت، از یکی از مهمترین منابع درآمدی خود (دریافت مالیات) محروم می‌شود و برای تأمین مخارج عمومی، با مشکل روبرو می‌شود و به ناچار برای تأمین مخارج خود، روی به استقراض، فروش منابع ملی و ... می‌آورد که این وضعیت برای کشور در حال توسعه‌ای چون ایران که سعی در رشد و توسعه و آبادانی کشور خود دارد، چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد.

پیشینه تحقیق

اگرچه فرار مالیاتی حتی در کشورهای دارای یک نظام مالیاتی به طور کامل توسعه یافته نیز مشاهده می‌شود، ولی این مسئله برای کشورهای در حال گذار و آن دسته از کشورهایی که از نظام‌های قدیمی جمع‌آوری مالیات استفاده می‌کنند، بحرانی‌تر است. (هادیان و تحویلی، ۱۳۹۲: ۴۱) به گونه‌ای که نتایج تحقیقات هم روند افزایش فرار مالیات در ایران را اثبات می‌کند. در تحقیقی که توسط معصومه مطلبی، محمد علیزاده و سجاد فرجی دیزجی (۱۳۹۷) تحت عنوان «برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی با در نظر گرفتن عوامل رفتاری» انجام شده است، نتایج نشان داد که روحیه مالیاتی و بار مالیات بر واردات از علل اصلی پیدایش اقتصاد سایه هستند، بنابراین برعکس کشورهای توسعه یافته متغیر روحیه مالیاتی باعث افزایش اقتصاد سایه و فرار مالیاتی ناشی از آن می‌شود که نشان دهنده عدم تبعیت مالیاتی در ایران می‌باشد.

مهدی نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بر اساس مدل پستل از دیدگاه مؤدیان و کارشناسان مالیاتی» نشان دادند که از نقطه نظر مؤدیان مشاغل، عوامل سیاسی و اقتصادی بیشترین تأثیر و عامل محیطی کمترین تأثیر را داشته است و از نظر کارشناسان کادر تشخیص، عوامل سیاسی، اقتصادی و قانونی بیشترین تأثیر و عامل محیطی کمترین تأثیر را داشته‌اند.

ادبیات نظری

آلم، مارتینز و واز کوئر^۱ به عنوان نظریه پردازن رویکرد نهادگرایی، کمبود نهادهای اجتماعی مؤثر در ارتقا هنجار تمکین را عامل زیربنایی فرار مالیاتی در همه کشورهای

^۱ - Alam, martinez & vazqueur

در حال توسعه قلمداد می‌کنند. به نظر آنان وجود یک هنجار اجتماعی مبین آن است که اگر فرد باور داشته باشد که تمکین مالیاتی یک هنجار ارزشمند اجتماعی است، بدان عمل خواهد کرد و برعکس اگر رفتار عدم تمکین مالیاتی فراگیر شود، در آن صورت هنجار اجتماعی تمکین از میان خواهد رفت. (میلانی و اکبرپور روشن، ۱۳۹۱: ۱۴۴) نظریه انصاف اشاره می‌کند که رضایت و رفتار مالیات‌دهنده به هم پیوسته است و یک فرد، رفتار خود را با رفتار دیگر افراد مقایسه می‌کند. نرخ مالیات بالاتر باعث تحریک خشم و تمایل به کاهش بار مالیاتی می‌شود، در حالی که نرخ پایین‌تر باعث حس ایجاد گناه و تمایل به پیروی می‌شود. (تورگلر، ۲۰۰۶) بر اساس نظریه برابری، مؤدیان مالیاتی باید درک کنند که ارتباطشان با دولت نه تنها به عنوان ارتباطی اجباری و تهدیدآمیز نیست، بلکه ارتباطی تبادلی است. در واقع اگر مالیات دهندگان مشاهده کنند که دولت یا با مالیات پرداختی‌شان به ایجاد امکانات اجتماعی برای افزایش برابری قدم برمی‌دارد، انگیزه آنها برای پرداخت مالیات بیشتر می‌شود. در مقابل اگر مؤدی مالیاتی احساس کند که سیستم مالیاتی ناعادلانه است و بار مالیاتی زیادی دارد، هزینه‌های اخلاقی برای رفتار صادقانه کاهش و فرار مالیاتی به عنوان یک نوع مقاومت در برابر سیستم مالیاتی توجیه‌پذیر می‌شود. (الم و همکاران، ۲۰۰۰).

فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد، بین آگاهی عمومی و فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین اعتماد اجتماعی و فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین پایبندی دینی و فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین مشارکت عمومی و فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی و روش هم‌پیمایی می‌باشد و از نظر هدف هم کاربردی-عملی می‌باشد، بدین معنی نهادها و سازمان‌های مسئول در زمینه‌ی وصول مالیات، در صورت تمایل می‌توانند از نتایج حاصله از این تحقیق استفاده نمایند. روش نمونه‌گیری، تصادفی ساده می‌باشد، بدین معنی که هر یک از عناصر جامعه‌ی مورد نظر برای انتخاب شدن، شانس مساوی دارند و بدون اینکه طبقه‌بندی خاصی در بین افراد جامعه آماری صورت بگیرد، پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی در بین مؤدیان مالیاتی توضیح می‌گردد و تعداد نمونه آماری

هم بر اساس فرمول کوکران ۳۸۳ نفر برآورد شد. در این تحقیق از پرسشنامه جهت بدست آوردن اطلاعات مورد نیاز استفاده شد.

برای سنجش پایایی ابزار تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد. هرچه میزان آلفا بالاتر باشد، ابزار تحقیق از پایایی بالاتری برخوردار بوده و برعکس هر چقدر میزان آلفا پایین باشد، پایایی ابزار تحقیق کاهش خواهد یافت. پس از گردآوری داده‌ها، میزان آلفای کرونباخ هر یک از متغیرها در جدول زیر ذکر شده که همگی از میزان مناسبی برخوردار هستند:

جدول (۱) میزان آلفای کرونباخ (پایایی) گویه‌های طیف

متغیر	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ
فرار مالیاتی	10	71٪
آگاهی عمومی	8	69٪
اعتماد اجتماعی	18	82٪
پایبندی دینی	15	91٪

منبع: یافته‌های تحقیق

ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده از نرم‌افزارهای SPSS می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده، از نرم‌افزار SPSS که در قالب روش توصیفی که شامل توصیف ساده متغیرها می‌باشد، استفاده شد، همچنین جهت سنجش متغیرها و آزمون فرضیات از روش استنباطی - علی و از آماره و آزمون مناسب با سطح سنجش متغیرها استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

- تحلیل توصیفی

مهمترین نتایج بخش توصیفی نشان می‌دهد که ارزیابی متغیرهای زمینه‌ای پژوهش بیانگر آن است، که بیشتر پاسخگویان، مرد و متأهل بوده، همچنین اکثریت دارای تحصیلات لیسانس بودند. از نظر منطقه محل تحقیق ساکنین، تقریباً از مناطق مرکز، شرق و غرب تعداد پاسخگویان به نسبت یکسان بودند، ولی منطقه‌ی جنوب تهران درصد بالاتری را به خود اختصاص دادند. همچنین میانگین سن پاسخگویان ۳۸/۷۳ سال، میانگین سابقه فعالیت ۱۳/۶۴ و همچنین میانگین فرار مالیاتی هم ۲۶/۸۷ بدست آمد.

جدول (۲) آماره‌های توصیفی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای پژوهش

متغیر		فراوانی	درصد	متغیر		فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	299	80/4	وضعیت تأهل	مجرد	82	22/4
	زن	73	19/6		متأهل	265	72/4
	بیسواد	4	1/1		جدا شده از همسر	11	3/
تحصیلات	پایینتر از دیپلم	47	12/8	منطقه	همسر فوت شده	8	2/2
	دیپلم و فوق دیپلم	98	26/8		مرکز	89	23/2
	لیسانس	148	40/4		شرق	96	25/1
	کارشناسی ارشد و بالاتر	69	18/9		غرب	97	25/3
	جمع کل	383			جنوب	101	26/4
میانگین		میان	مد (نما)	کمترین میزان		بیشترین میزان	
سن		38/73	36	21		70	
سابقه فعالیت		13/64	11/50	1		33	
فرار مالیاتی		26/87	27	12		40	

منبع: یافته‌های تحقیق

آمار استنباطی

- آزمون فرضیه‌ها

در این قسمت مروری بر یافته‌های استنباطی تحقیق خواهیم داشت. با ارزیابی فرضیه‌های مورد بررسی در این پژوهش، اطلاعات جدول شماره ۲) نشان می‌دهد، فرار مالیاتی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig < 0/00$ با آگاهی عمومی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r = 0/17$ شدت این رابطه ضعیف ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که مثبت است، گویای جهت مستقیم رابطه بین دو متغیر است، به عبارت دیگر هرچه آگاهی عمومی بالاتر باشد، میزان فرار مالیاتی هم افزایش می‌یابد و بالعکس. از سویی فرار مالیاتی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig < 0/16$ با اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری ندارد. همچنین فرار مالیاتی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig < 0/00$ با پایبندی دینی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r = 0/13$ شدت این رابطه ضعیف ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که منفی است گویای جهت معکوس رابطه بین دو متغیر

است. به عبارت دیگر هرچه پایداری دینی بالاتر باشد، میزان فرار مالیاتی کاهش می‌یابد و بالعکس. همچنین فرار مالیاتی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $\text{Sig} = 0/97$ با مشارکت عمومی همبستگی معناداری ندارد.

جدول (۳) آزمون همبستگی (بررسی رابطه معناداری بین متغیرهای پژوهش)

فرضیه‌ها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بین فرار مالیاتی و آگاهی عمومی رابطه معناداری وجود دارد	$0/173^{**}$	0/001
بین فرار مالیاتی و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.	0/071	0/167
بین فرار مالیاتی و پایداری دینی رابطه معناداری وجود دارد	$-0/136^{**}$	0/008
بین فرار مالیاتی و مشارکت عمومی رابطه معناداری وجود دارد	0/002	0/971

منبع: یافته‌های تحقیق

- رگرسیون چند متغیره تحقیق

به نظر می‌رسد، آگاهی عمومی، پایداری دینی و احساس محرومیت نسبی بر فرار مالیاتی مؤثر است.

با توجه به معناداری آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق که پیش شرط آزمون رگرسیون می‌باشد، حال در اینجا جهت تعیین میزان تأثیر متغیرهای مستقل آگاهی عمومی، پایداری دینی و احساس محرومیت نسبی بر فرار مالیاتی از رگرسیون خطی با روش Stepwise استفاده شده است. به کمک این روش سه مدل برای تبیین متغیر وابسته پیشنهاد شده است: ۱- آگاهی عمومی ۲- آگاهی عمومی، پایداری دینی ۳- آگاهی عمومی، پایداری دینی و احساس محرومیت نسبی.

جدول (۴) ضرایب رگرسیونی مربوط به مدل‌های پیش‌بینی شده

مدل		ضرایب رگرسیونی استاندارد			میزان آزمون T	Sig. سطح معناداری
		B ضریب	Std. Error	Beta (بتا)		
3	میزان ثابت	27/148	1/704	-	15/933	0/000
	آگاهی عمومی	0/099	0/035	0/146	2/846	0/005
	پایداری دینی	-0/067	0/024	-0/139	-2/794	0/0005
	احساس محرومیت نسبی	0/108	0/046	0/121	2/363	0/019

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به ضرایب رگرسیونی فوق، در این مدل متغیرهای مستقل آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی بر فرار مالیاتی تأثیر دارد که معادله خط رگرسیونی پیش‌بینی آن به شرح ذیل است:

$$y = a + b_1 \cdot x_1 + b_2 \cdot x_2 + b_3 \cdot x_3$$

$$Y = 27/10 + 0/09(\text{آگاهی عمومی}) - 0/06(\text{پایبندی دینی}) + 0/10(\text{احساس محرومیت نسبی})$$

مقدار ثابت برابر است با ۲۷/۱۴، ضریب تأثیر متغیر آگاهی عمومی برابر است با ۰/۰۹، ضریب تأثیر متغیر پایبندی دینی برابر است با ۰/۰۶، ضریب تأثیر متغیر احساس محرومیت نسبی برابر است با ۰/۱۰، به عبارت دیگر در ازای تغییر متغیرهای آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی به میزان ضریب مربوطه، فرار مالیاتی به میزان یک انحراف معیار تغییر می‌یابد.

در پی پاسخ به این سؤال که بین این سه متغیر مستقل بیشترین تأثیر مربوط به کدام متغیر است، از معادله رگرسیونی استاندارد شده استفاده می‌کنیم. فرمول ضریب رگرسیونی استاندارد شده به صورت زیر می‌باشد:

$$Zy = B_1.X_1 + B_2.X_2 + B_3.X_3$$

$$Zy = 0/14(\text{آگاهی عمومی}) - 0/13(\text{پایبندی دینی}) + 0/12(\text{احساس محرومیت نسبی})$$

با توجه به معادله فوق، بیشترین تأثیر به ترتیب مربوط به متغیرهای آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی است.

تحلیل مسیر:

جدول (۵) تحلیل مسیر مرحله اول

Sig	t	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده			
		Beta	Std. Error	B	
0/000	15/933	-	1/704	27/148	مقدار ثابت
0/005	2/846	0/146	0/035	0/099	آگاهی عمومی
0/019	2/363	0/121	0/046	0/108	پایبندی دینی
0/005	-2/794	- 0/139	0/024	- 0/067	احساس محرومیت نسبی

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۶) تحلیل مسیر مرحله دوم

Sig.	t	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده	ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده		
		Beta	Std. Error	B	
0/000	14/308	-	1/097	15/692	مقدار ثابت
0/000	4/821	0/240	0/065	0/316	احساس محرومیت نسبی

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۷) محاسبه ضریب تاثیر متغیر آگاهی عمومی بر متغیر وابسته

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضرایب بتا
اثر مستقیم	$X_1 \rightarrow y$	0/14
اثر غیرمستقیم	-	-
کل اثرات مستقیم و غیر مستقیم		0/14

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۸) محاسبه ضریب تاثیر متغیر احساس محرومیت نسبی بر متغیر وابسته

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضرایب بتا
اثر مستقیم	$X_2 \rightarrow y$	0/12
اثر غیرمستقیم	$X_2 \rightarrow X_1 \rightarrow y$	0/03
کل اثرات مستقیم و غیرمستقیم		0/15

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۹) محاسبه ضریب تاثیر متغیر احساس محرومیت نسبی بر متغیر وابسته

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضرایب بتا
اثر مستقیم	$X_3 \rightarrow y$	0/13
اثر غیر مستقیم	-	-
کل اثرات مستقیم و غیر مستقیم		0/13

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۱۰) مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر
آگاهی عمومی	0/14	-	0/14
احساس محرومیت نسبی	0/12	0/03	0/15
پایبندی دینی	0/13	-	0/13

منبع: یافته‌های تحقیق

مدل به دست آمده از تحلیل مسیر نشان می‌دهد که هر سه متغیر آگاهی عمومی، احساس محرومیت نسبی و پایبندی دینی به طور مستقیم بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارند. تأثیر متغیر-های آگاهی عمومی و احساس محرومیت نسبی مثبت و پایبندی دینی تأثیری منفی بر فرار مالیاتی دارد. متغیر احساس محرومیت نسبی به طور غیرمستقیم هم بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارد. با توجه به مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر، می‌توان گفت احساس محرومیت نسبی بیشتر از آگاهی عمومی و آگاهی عمومی بیشتر از پایبندی دینی بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت در کنار مروری بر یافته‌های استنباطی تحقیق، به بحث پیرامون نتایج آن می‌پردازیم. در فرضیه اول به «بررسی رابطه بین آگاهی عمومی و فرار مالیاتی» پرداخته شده است. برای سنجش این فرضیه از آزمون معنی‌داری پیرسون استفاده شده است. نتایج آزمون نشان از تأیید فرضیه دارد و نشان داد، رابطه معناداری بین آگاهی عمومی و فرار مالیاتی در بین مؤدیان وجود دارد. همچنین مقدار ضریب همبستگی آزمون که برابر با $r = 0.17$ است، شدت این رابطه را ضعیف ارزیابی می‌کند و از سویی گویای جهت مستقیم رابطه بین دو متغیر است، به عبارتی نشان می‌دهد که هرچه آگاهی عمومی بالاتر باشد، میزان فرار مالیاتی هم افزایش می‌یابد و بالعکس.

عنوان فرضیه دوم «به نظر می‌رسد، بین اعتماد اجتماعی و فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد» می‌باشد. نتایج با سطح معناداری $\text{Sig} = 0.16$ نشان داد، رابطه معناداری بین اعتماد اجتماعی و فرار مالیاتی وجود ندارد و فرضیه رد شد. در تحقیقی که توسط آزاد خانزادی، مریم حیدریان و سارا مرادی (۱۳۹۷) انجام شده است، نتایج نشان داد، در یک جامعه معتمد، مسئولین مالیاتی با بهره‌گیری از قدرت مشروع خود باعث کاهش فرار مالیاتی و افزایش تمکین داوطلبانه می‌شوند، که با نتیجه فرضیه همخوان است.

آزمون فرضیه سوم با این عنوان که «بین پایبندی دینی و فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد» نشان داد، بین فرار مالیاتی و پایبندی دینی رابطه و همبستگی منفی معناداری وجود دارد، بدین معنی که هرچه پایبندی دینی بالاتر باشد، میزان فرار مالیاتی کاهش می‌یابد و بالعکس. نتایج تحقیقی که توسط مرادی و همکاران (۱۳۹۲) انجام گرفته، نشان داد که رابطه معنی‌داری بین مذهب با فرار مالیاتی مشاهده نشد. سرگوئی و کوچیر (۲۰۱۱) در تحقیقی نشان دادند که در کشورهای دارای مردمان با حیا و صداقت بیشتر، تغییرات نرخ مالیات اثر بیشتری

بر روی نرخ رشد اقتصادی می‌گذارد، در حالی که در کشورهای با اثر شرم پایین چون پرهیز و فرار مالیاتی بیشتر است، تغییرات نرخ مالیات اثر کمتری بر روی رشد اقتصادی دارد. از سویی وادیل و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی «به بررسی رابطه میان فرهنگ و فرار مالیاتی در نیجریه» پرداختند، که نشان دادند، بین دینداری و فرار مالیاتی هیچگونه رابطه معنی‌داری وجود نداشته است.

عنوان فرضیه چهارم «بین مشارکت عمومی و فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد» می‌باشد. جهت آزمون فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج تحلیل آماری نشان داد، بین مشارکت عمومی و فرار مالیاتی همبستگی و رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج تحقیقی که توسط مهدی ایزدبخش و همکاران (۱۳۹۶) انجام گرفت، نشان داد ترویج فرهنگ مالیاتی و قوانین و مقررات مالیاتی به عنوان مؤثرترین عامل و عقاید و باورهای عمومی و انتظارات مؤدیان مالیاتی از نتایج حاصل از پرداخت مالیات از عوامل مؤثر در جلب اعتماد و مشارکت عمومی جهت پرداخت مالیات بوده است.

عنوان فرضیه پنجم «به نظر می‌رسد، آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی بر فرار مالیاتی مؤثر هستند» می‌باشد. جهت آزمون فرضیه از رگرسیون خطی استفاده شد، نتایج رگرسیون نشان داد، متغیرهای مستقل آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی بر فرار مالیاتی تأثیر دارند و میزان این تأثیرات ۶ درصد است. از سویی بیشترین تأثیر به ترتیب مربوط به متغیرهای آگاهی عمومی، پایبندی دینی و سپس احساس محرومیت نسبی می‌باشد.

همچنین نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد، هر سه متغیر آگاهی عمومی، احساس محرومیت نسبی و پایبندی عمومی به طور مستقیم بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارند. تأثیر متغیر-های آگاهی عمومی و احساس محرومیت نسبی مثبت و پایبندی دینی تأثیری منفی بر فرار مالیاتی دارد. متغیر احساس محرومیت نسبی به طور غیرمستقیم هم بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارد. با توجه به مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر، می‌توان گفت احساس محرومیت نسبی بیشتر از آگاهی عمومی و آگاهی عمومی بیشتر از پایبندی دینی بر فرار مالیاتی تأثیر می‌گذارند.

پیشنهادهای پژوهشی

- پیشنهادهای پژوهشی

به دلیل ماهیت مقطعی پژوهش، کلیه داده‌ها در یک مقطع زمانی خاص جمع‌آوری شده

است، بنابراین توصیه می‌شود، پژوهشگران در پژوهش‌های بعدی با انجام مطالعات طولی، تحقیقات گستره و مستمری را برای تبیین رفتار مالیاتی فعالین و کسبه انجام دهند.

- پیشنهادهای کاربردی

۱- هنجار شدن پرداخت مالیات در ایران نیازمند تغییر نگاه و باور منفی مردم نسبت به مالیات است، به همین دلیل پیشنهاد می‌شود، دولت از امکانات و تجهیزات رسانه‌های ارتباطی، خصوصاً تلویزیون که رسانه‌ی همگانی‌تر بوده استفاده نماید و با بحث‌های کارشناسی و دعوت از متخصصین و کارشناسان مسائل مالیاتی، گام‌های اساسی را برای افزایش آگاهی عموم مردم از منافع و مزایای پرداخت مالیات و همچنین مضرات فرار مالیاتی در بین عموم مردم بردارد، چرا که یکی از علل اصلی مقاوم کسبه و مؤدیان مالیاتی، داشتن آگاهی نادرست از علل پرداخت مالیات و نقش آن در تأمین هزینه‌های عمومی است، که نتیجه‌ی آن ایجاد نوعی حس مقاومت درونی در آنان جهت نپرداختن مالیات می‌باشد.

۲- پیشنهاد می‌شود، سازمان امور مالیاتی کشور از طریق پیش‌بینی تمهیدات و تشویقات لازم در زمینه ترویج فرهنگ مالیاتی آن دسته از مؤدیان که نسبت به پرداخت وجوهات و تمکین مالیاتی اقدام می‌نمایند، در راستای الگوسازی مناسب در سطح جامعه اقدامات لازم را انجام دهد. لذا بایستی اقدامات فرهنگی بیشتری در راستای تقویت مؤلفه‌های مذهبی و اعتقادی به کار بست تا تمایل به فرار مالیاتی بسیار کاهش یابد و این کار با توجه بیشتر به ملزم ساختن و متعهدسازی افراد به ابعاد مذهبی فراهم می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی

کتاب

- احمدی دونچالی، محمود (۱۳۷۲)، ساختار مالیاتی ایران و رشد و توسعه اقتصادی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- هادگوپورهیپ، شانپ (۱۳۷۹)، **مالیه عمومی**، ترجمه: مهدی تقوی، تهران، نشر قومس

مقالات

- بهروان و همکاران (۱۳۹۷)، کنش مالیاتی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن (مطالعه موردی مؤدیان مشمول مالیات بر ارزش افزوده شهر زنجان)، پژوهش‌نامه مالیات، شماره سی-ام، پیاپی ۷۸
- خانزادی و همکاران (۱۳۹۷)، تحلیل نظری ارتباط بین اعتماد مالیات دهنده و قدرت مالیات-ستان و اثرات آن بر تمکین مالیاتی با استفاده از چارچوب شیب لغزنده، مجله اقتصادی، شماره‌های ۱ و ۲
- رضایی سیابیدی، محمد (۱۳۹۶)، راه‌های مقابله و جلوگیری از فرار مالیاتی، فصلنامه علمی-حقوقی قانونی‌یار، دوره چهارم
- سلطانی و پورغفاردستجردی (۱۳۹۱)، فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر درآمدهای مالیاتی در ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۲
- مرادی و همکاران (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات با تأکید بر عوامل فرهنگی، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۸
- مطلبی و همکاران (۱۳۹۷)، برآورد اقتصاد سایه و فرار مالیاتی با در نظر گرفتن عوامل رفتاری، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال هفتم، شماره ۲۷
- میلانی و همکاران (۱۳۹۱)، فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی در ایران، پژوهشنامه مالیات، شماره سیزدهم، پیاپی ۶۱
- نصرافهانی و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی بر اساس مدل پستل از دیدگاه مؤدیان و کارشناسان مالیاتی، دو فصلنامه پژوهش‌های مالیه اسلامی، سال اول، شماره اول
- هادیان و تحویلی (۱۳۹۲)، شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه و بودجه، سال هجدهم، شماره ۲

پایان نامه

- نوری خانیوردی، اصغر (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در شهرستان تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

سایت

- ایزدبخش و همکاران (۱۳۹۶)، بررسی عوامل مؤثر در اعتماد و مشارکت عمومی در پرداخت مالیات، هفتمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تبریز، قابل دریافت:

<https://civilica.com/doc/680476>

English Resources

Articles

- Cerqueti, R; Coppier, R (2011), **Economic growth, corruption and tax evasion, Economic Modelling**, No. 28

-Torgler, B (2006), **The importance of faith: Tax morale and religiosity**, Journal of Economic Behavior & Organization, 61(1)

-vadia, O; Fagbebi, T; Ogunleye, J (2010), **An empirical study of the relationship between culture and personal income tax evasion in Nigeria**, European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences, 20(2)

